

تحول ناشی از آموزش بر مبنای الگوی تدریس بدیعه پردازی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس زبان انگلیسی

پریوش سادات فیروزآبادی^۱، سید محمود طباطبایی^۲، رضا رامی^۳، کیوان عزیزی^۴، زهرا پروینیا^۵، مسعود عظمی^۶

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی اثرات الگوی تدریس بدیعه پردازی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس زبان انگلیسی و مقایسه آن با الگوی تدریس سنتی انجام گرفته است. این مطالعه به روش نیمه آزمایشی و با استفاده از طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل صورت گرفته است. جامعه آماری، شامل کلیه دانش آموزان دختر سال سوم دوره متوسطه اول شهرستان سرپل ذهاب در سال تحصیلی ۱۳۹۵ بود. به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای، تعداد ۶۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت از آزمون سنجش خلاقیت تورنس (فرم ب) و راهنمای استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های میانگین و انحراف معیار و آزمون تحلیل کواریانس انجام شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات خلاقیت دانش آموزان گروه آزمایش که از تدریس بدیعه پردازی برای آموزش آنها استفاده شده بود به شکل معنی دار آماری از گروه کنترل که به شکل متداول آموزش دیده بودند در پس آزمون، بیشتر بود. ($p=0,001$) همچنین بین میانگین نمرات گروه های آزمایش و کنترل در تمام خرده مقیاس های تفکر خلاق (سیالی، ابتکار، بسط و انعطاف پذیری)، تفاوت معنی دار آماری یافت شد. ($p<0,05$).

کلید واژه ها: الگوی تدریس، روش بدیعه پردازی، خلاقیت، درس انگلیسی، دانش آموزان.

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، کارشناس مسئول ارزیابی عملکرد دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، کارمند دانشگاه فرهنگیان پیشوا، تهران. ایران.

۳. کارشناس ارشد مدیریت برنامه ریزی درسی، دانش آموخته دانشگاه علامه طباطبایی، ایران.

۴. دکتری زبان انگلیسی، دبیر آموزش و پرورش سرپل ذهاب، کرمانشاه.

۵. کارشناس ارشد آمار ریاضی، دانشگاه رازی کرمانشاه، نویسنده مسئول، Zahra.parviznia@yahoo.com

۶. مدیرعامل زبان های خارجی مدبران کرج.

مقدمه

تمدن بشر، مرهون اندیشه خلاق^۱ وی بوده است و دوام آن نیز بدون بهره‌گیری از خلاقیت^۲ غیرممکن خواهد بود و این عالی‌ترین عملکرد ذهن انسان به شمار می‌رود. در وضعیت کنونی، خلاقیت نه تنها یک ضرورت بلکه شرط اساسی برای بقاست (درزی رامندی، عصاره و جراره، ۳۹۳). برای خلاقیت تعاریف گوناگونی ارائه شده است، آزوبل^۳ در این زمینه می‌گوید: خلاقیت یکی از مبهم‌ترین و مغشوش‌ترین اصطلاحات در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت امروز است (کاستلو^۴، ۲۰۰۸).

تورنس^۵ (۱۹۷۹) خلاقیت را به حاصل وقوع انفجارات بینش درونی افراد تعبیر می‌کند. در حقیقت فرد خلاق کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار باشد. فورد^۶ (۲۰۱۰) خلاقیت را یک مهارت می‌داند که می‌توان آن را در مدارس آموزش داد و بسیاری از مشکلات جامعه در آینده به وسیله دانش آموزان همین مدارس خلاق، حل خواهد شد.

گلیفورد^۷ (۱۹۶۷) چهار عنصر را برای خلاقیت برشمرده است که ماهیتی آموزشی دارند: سیالی^۸، انعطاف پذیری^۹، ابتکار^{۱۰} و بسط^{۱۱}. عنصر سیالی به کمیت یا تعداد ایده‌ها، انعطاف‌پذیری به تنوع و گوناگونی ایده‌ها، ابتکار به منحصر به فرد بودن یا غیر معمولی بودن ایده‌ها و بسط به جزئیات ایده‌ها مربوط می‌شود. مرور پژوهش‌های خلاقیت نیز بیانگر آن است که خلاقیت در ترکیب عناصر اصلی خود (یعنی سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط)

۱- Creative ideas

۲- Creativity

۳- Azobel

۴ - Costello

۵-Torrance

۶foord

۷Guilford

۸ - fluency

۹ - elaboration

۱۰ - originality

۱۱ - flexibility

تحت تأثیر آموزش افزایش یافته و به ویژه توانایی ابتکار از جهش محسوسی برخوردار می‌شود (گوکارت، دانداتر و سایلو،^۱ ۲۰۱۲).

باتستینی^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود میان خلاقیت و اثربخشی در مدارس ارتباط قوی به دست آورد. در این پژوهش، وی پیشنهاد می‌کند که حتماً از روش‌های خلاق آموزشی در مدارس استفاده شود. بریانت^۳ (۲۰۱۰، در مطالعه‌ای، نقش مدرسان در فراهم آوردن محیط مثبت در کلاس درس، داشتن روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام، فرصت و استقلال به فراگیران را از مهم‌ترین عوامل رشد خلاقیت دانش آموزان می‌داند. مناسب‌ترین بستر برای پرورش خلاقیت، نظام تعلیم و تربیت و در بطن آن مدرسه است (بریانت، ۲۰۱۰).

واژه بدیعه پردازی^۴ متشکل از دو کلمه یونانی (syn) یعنی باهم آوردن و (tactic) به معنای عناصر متفاوت و در ظاهر بی ربط برای پرورش خلاقیت محسوب می‌شود و به عنوان یک الگوی یادگیری به تدریس تفکر استعاری مبادرت کرده، شاگردان را به ابداع مطالب خلاق ترغیب می‌کند و شیوه جالبی است که ویلیام جی گوردون^۵ (۱۹۶۱) برای ایجاد نوآوری تدوین کرده است (سلیگمن^۶، ۲۰۰۷).

در تعریف شیوه بدیعه پردازی آن را آشنایی زدایی^۷ نامیده‌اند یعنی فرد در این روش تلاش می‌نماید با دید تازه‌ای به مسائل و چیزهای آشنا بنگرد (آشیش^۸، ۲۰۱۰). بنابراین دو شیوه برای آموزش بر مبنای بدیعه پردازی وجود دارد: یکی خلق چیز جدید است که به فراگیران کمک می‌کند تا مسائل، نظریات یا فراورده‌های قدیمی را در پرتو خلاقیتی بیشتر و تازه‌تر ببینند؛ و روش دیگر، نا آشنا را آشنا ساختن که عقاید نا آشنا و جدیدتر را معنی‌دار می‌نماید (کاویویتچا^۹، ۲۰۰۸). بدین ترتیب در روش بدیعه پردازی، مقایسه یک چیز یا فکر با چیز یا فکر دیگر به

۱- Gokkurt, Dundatr, Soyly

۲ - Batastini

۳- Bryant,

۴- Syntactic

۵- William j j Gordon

۶- Seligman

۷- making the strange familiar

۸- Açışh

۹- Kaveevivitcha

وسيله استفاده يکي جاي ديگري اتفاق مي افتد و تفکر خلاق در خلال اين جايگزيني ها ايجاد مي گردد و با مطالب و امور نا آشنا ارتباط داده مي شود و يا فکر تازه اي را از افکار آشنا در ذهن به وجود مي آورد (جويس^۱، ۲۰۰۹).

مهم ترين عنصر بديعه پردازي استفاده از قياس هاست. شاگردان در تمرينات درسي آنقدر با قياس ها بازی مي کنند تا استفاده از آنها براي شان عادي شود. سپس از قياس ها براي برخورد با مسائل و نظريات استفاده کنند. هدف اساسي نوآفريني يا بديعه پردازي شکستن سد قواعد مرسوم و ايجاد راه هاي جديد براي حل مسائل مي باشد (آلان و ريچاد^۲، ۲۰۰۹).

بنابراين شناسايي روش تدريس بديعه پردازي از اهميت ويژه اي برخوردار است. با اين وجود به دليل ناشناخته ماندن و ناآگاهي معلمان از روش تدريس بديعه پردازي به جاي تاکيد بر اين روش تدريس و روش هاي فعال ديگر، بيشتر از روش هاي رايج و قديمي در مدارس استفاده مي شود. بنابراين شناختن روش تدريس بديعه پردازي و درک اثر بخشي آن بر يادگيري و يادداري افراد از اهميت ويژه اي برخوردار خواهد بود (يانگ، چانگ^۳، ۲۰۰۹).

موالم^۴ (۲۰۱۰) در تحقيق خود بيان داشته اند که دانش آموزان دوره متوسطه اغلب نمي توانند از دانش خود براي توضيح و پيش بيني پديده ها استفاده کنند و اين مشکل ناشي از اين واقعيت است که آموزش هاي کلاسي فاقد راهبردهاي کيفي مورد نياز و دور از ابداع براي استدلال مي باشد. نولان^۵ (۲۰۰۲) طی پژوهشي به اين نتيجه رسيد که استفاده از روش بديعه پردازي به طور آشکار زمان مورد نياز تدريس را کاهش مي دهد و باعث توسعه کيفيت بازدهي و رضاييت يادگيرندگان مي شود.

^۱- Joyce

^۲- Joyce

^۳-Yang, cheng

^۴- Maulem

^۵- Nolan

^۶- Joyce, Molly, Patricia

جویس، مولی و پاتریکا^۱ (۲۰۰۶) طی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که تدریس به شیوه بدیعه پردازی باعث ایجاد لذت و نشاط و همدلی در بین معلمان و یادگیرندگان و در نتیجه افزایش خلاقیت می‌شود. بدیهی است متناوب با فرایند جهانی شدن نوع نگاه به آموزش و پرورش با آنچه در تفکر سنتی غالب است تفاوت دارد. آموزش و پرورش باید به فراگیران در ارتقای خود پرورشی از طریق خلاقیت، توانایی تصمیم‌گیری سریع، عادات آموزشی و خودآگاهی یاری رساند (فورد و سام، ۲۰۱۰).

نتایج تحقیقات والکر^۲ (۲۰۰۹)، نشان می‌دهد روش‌های سنتی آموزش نه تنها باعث تداوم یاگیری نمی‌شود بلکه سبب از بین بردن خلاقیت نیز می‌گردد. در این پژوهش استفاده از روش تدریس بدیعه پردازی برای تدریس درس انگلیسی منجر به کسب دانش جدید از طریق اشتراک گذاری داستان‌ها و روایات فردی و قدرت بخشیدن به شرکت‌کنندگان در بیان مفاهیم درسی شد.

گانتر^۴ (۲۰۰۶)، به این نتیجه رسید که روش تدریس بدیعه پردازی باعث افزایش تفکر خلاق و نیز افزایش انگیزه یادگیرندگان می‌شود. ترینفنگر، سارتر و گروس^۵ (۲۰۰۷)، در تحقیق خود تحت عنوان میزان اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی که نمرات پس‌آزمون فصاحت، ابتکار، بسط و انعطاف به طور چشمگیری از نمرات پیش‌آزمون دانش‌آموزان در خلاقیت و پیشرفت تحصیلی بالاتر بوده است. ایساکسن، پاکینو و تریفینگر^۶ (۲۰۰۸)، طی پژوهشی این‌طور نتیجه گرفت که تفاوت قابل توجهی بین اثربخشی روش بدیعه پردازی و روش سنتی آموزش مهارت‌های زندگی در توسعه توانایی ذهن خلاق دانش‌آموزان وجود دارد.

۱- Ford, sam

۲- Walke

۳- Gunter

۴- Treffinger, Sortore, Crosss

۵- Isaksen, Pacino, Treffinger

نتایج تحقیقات درزی مندی و همکاران (۲۰۱۴) نیز حاکی از برتری روش تدریس بدیعه پردازی در افزایش میزان مؤلفه‌های خلاقیت (سیالی، ابتکار، بسط و انعطاف پذیری) نسبت به روش تدریس سنتی در دانش آموزان داشت. با فرض اینکه والدین و مربیان از مهم ترین عوامل حمایت کننده بروز خلاقیت کودکان هستند، ضروری خواهد بود که برنامه آگاه سازی خانواده ها، معلمین و مسئولان آموزشی در این خصوص بااهمیت تلقی گردیده و شناخت شیوه های تقویت، بروز خلاقیت کودکان و نوجوانان مدنظر قرار گیرد. از آن جایی که محقق به عنوان معلم، به تدریس دانش آموزان مشغول بوده، به تجربه بر این امر واقف است که در مدارس، دروسی از جمله درس زبان انگلیسی به شیوه سنتی ارائه می شود و در نتیجه دانش آموزان منفعل بوده، تعامل اندکی وجود دارد و روح خلاقیت و استقلال دانش آموزان تقویت نمی شود. به همین خاطر این سؤال مطرح است که آیا روش بدیعه پردازی به عنوان یک روش فعال آموزشی، در پرورش خلاقیت دانش آموزان مؤثر است؟ لذا در همین راستا، این تحقیق درصدد است تحول ناشی از آموزش بر مبنای الگوی تدریس بدیعه پردازی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس زبان انگلیسی را مورد مطالعه قرار دهد و به بررسی فرضیه های زیر بپردازد:

- ۱- استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت سیال تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.
- ۲- استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت ابتکار تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.
- ۳- استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت بسط تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.
- ۴- استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت انعطاف پذیری تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل می‌باشد. جامعه پژوهش حاضر کل دانش‌آموزان دختر سال سوم دوره متوسطه اول شهرستان سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۵ می‌باشند. جامعه مذکور دارای ۲۱۸۶ عضو بود که از بین آنها ۶۴ نفر در قالب ۲ کلاس به صورت تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. انتخاب به این صورت بود که از فهرست مدارس متوسطه اول شهرستان، ۲ مدرسه و از هر مدرسه یک کلاس پایه سوم به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید. از این ۲ کلاس، ۳۲ دانش‌آموز در گروه آزمایش و ۳۲ نفر در گروه کنترل به صورت تصادفی گمارش شدند. هر دو گروه همزمان و قبل از دخالت متغیر مستقل بدیعه پردازی در زمینه خلاقیت مورد پیش‌آزمون قرار گرفتند. در این پژوهش فرایند یادگیری را که مشاهده آن به طور مستقیم امکان پذیر نمی‌باشد و تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهد را می‌توان متغیر مداخله‌گر این مطالعه به حساب آورد. از آنجا که متغیرهای تعدیل‌کننده جهت یا میزان رابطه میان متغیرهای وابسته و مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در این مطالعه هوش را می‌توان به عنوان متغیر تعدیل‌کننده محسوب کرد. هرچند کنترل تمام عوامل تهدیدکننده اعتبار یک پژوهش در علوم اجتماعی و تربیتی مشکل است ولی اقداماتی نظیر عامل آزمون، احتمال انتشار یا تقلید عمل گروه آزمایش و گروه کنترل برای حذف متغیرهای مزاحم به عمل آمده است. برای گروه آزمایش از آموزش بدیعه پردازی و برای گروه کنترل توسط معلم زبان انگلیسی، آموزش کتب مربوطه به روش متداول (سنتی)، طی ۱۲ جلسه تدریس شد. پژوهش از آبان ماه شروع شد و طول مدت اجرای پژوهش حدود ۳ ماه طول کشید و در هر هفته ۱ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای دانش‌آموزان تحت آموزش قرار گرفتند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، آزمون سنجش تفکر خلاق تورنس، فرم تصویری (ب) می‌باشد. همچنین استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی جهت شناسایی تأثیر آن بر پرورش خلاقیت می‌باشد. مجموعه آزمون‌های تورنس شامل ۱۲

آزمون است که به بخش های کلامی، تصویری، شنیداری، طبقه بندی شده اند و بدین ترتیب تفکر خلاق با واژه ها، تفکر خلاق با تصاویر و تفکر خلاق با صداها نامیده می شوند. اعتبار آزمون با روش آزمون مجدد بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ ذکر شده است (عابدی، ۲۰۰۲) و با روش تصنیف برای کل آزمونن و با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای میزان خلاقیت کل ۰/۷۸ گزارش شده است. پس از اتمام جلسات در هر دو گروه پس آزمون باورهای هوشی و یادگیری خودتنظیم اجرا شد. داده ها با استفاده از آماره های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و آزمون تحلیل واریانس و به کمک نرم افزار SPSS۲۱، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های پژوهش

جدول . نتایج آزمون پیش آزمون و پس آزمون متغیرها

پس آزمون		پیش آزمون		شاخص های آماري	متغیرها
آزمایش	کنترل	آزمایش	کنترل		
۱۵/۶۷	۱۴/۲۵	۱۲/۷۷	۱۳/۶۷	میانگین	سیالی
۳/۲۶	۳/۶۵	۴/۷۹	۳/۵۷	انحراف معیار	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	تعداد	
۳/۴۳	۳/۱۹	۳	۳/۱۰	میانگین	ابتکار
۰/۲۹۱	۰/۳۳۹	۰/۴۱۱	۰/۳۳۷	انحراف معیار	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	تعداد	
۶/۵۲	۴/۰۸	۴/۵۱	۴/۹۰	میانگین	بسط
۰/۳۷۵	۱/۴۹	۱/۵۸	۱/۶۲	انحراف معیار	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	تعداد	
۶/۴۹	۴/۰۵	۴/۴۹	۴/۸۸	میانگین	انعطاف پذیری
۰/۳۷۰	۱/۴۶	۱/۵۵	۱/۵۹	انحراف معیار	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	تعداد	

باتوجه به داده های جدول شماره ۱، تفاوت میانگین نمرات میزان خرده مقیاس های خلاقیت (سیالی، ابتکاری، بسط، انعطاف پذیری) را قبل و پس از آموزش نشان می دهد بنابراین می توان استدلال کرد گروه آزمایشی که تحت تأثیر آموزش بدیعه پردازی بوده اند نمرات پس آزمون شان در مقایسه با پیش آزمون تغییر پیدا کرده است.

در انجام آزمون کوواریانس لازم است مفروضات آنالیز بررسی شود، که فرض نرمال بودن متغیر وابسته با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف تأیید شود.

جدول ۲. آزمون بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره کولموگروف	سطح معنی داری
قابلیت سیالی تفکر	۶۴	۱۴,۲۲	۳/۶۰	۰,۱۱۳	۰,۰۷۴
ابتکارتفکر	۶۴	۱۸/۹۸	۴/۹۳	۰/۱۶۲	۰/۰۷۳
بسط تفکر	۶۴	۱۹/۸۴	۶/۲۷	۰/۱۳۸	۰/۶۳
انعطاف پذیری تفکر	۶۴	۱۳/۳۵	۳/۵۹	۰/۲۰۹	۰/۱۵۷

تحول ناشی از آموزش بر مبنای الگوی ...

با توجه به داده‌های جدول شماره ۲، سطح معناداری تمامی داده‌های به دست آمده از آزمون‌ها بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها در مورد تمامی داده‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد. لذا داده‌های پژوهش دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۳. نتایج بررسی همگنی شیب‌های رگرسیونی در پس‌خلاقیت دو گروه

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
پیش‌آزمون	۸۳۲/۸۴	۱	۸۳۲/۸۴	۱۳/۹	/۰۰۰
گروه پیش‌آزمون	۲/۱۲	۱	۲/۱۲	۰/۳۵	/۸۵۱
خطا	۳۵۹۴/۱۱	۶۰	۵۹/۹		
مجموع	۳۳۸۰۳۳	۶۴			

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود تعامل بین گروه و پیش‌آزمون خلاقیت معنادار نیست. به عبارت دیگر داده‌ها از فرض همگنی شیب‌های رگرسیونی پشتیبانی می‌کنند ($F=۰/۰۳۵$ ، $Sig=۰/۸۵۱$).

جدول ۴. نتایج آزمون لون بررسی فرض همگنی واریانس‌های سطح دانش دو گروه در پس‌آزمون

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	F مقدار
۰/۷۶۸	۶۲	۱	۰/۰۸۵

بررسی فرض همگنی واریانس‌ها بر اساس آزمون لون (جدول ۴) نیز نشان دهنده‌ی آن است که فرض همگنی واریانس‌ها برای پس آزمون دو گروه برقرار است ($F=۰/۰۸۵$ ، $Sig=۰/۷۶۸$). لذا با برقراری پیش فرض‌های لازم، استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مجاز می‌باشد.

فرضیه ۱. استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت سیال تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس برای تأثیر روش بدیعه پردازی بر رشد سیال تفکر

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
همپراش	۴/۷۱۶	۱	۴/۷۱۶	۸۱/۹۵۹	۰/۰۰۰
گروه	۶/۷۸۴	۲	۳/۳۹۲	۵۸/۹۴۹	۰/۰۰۰
خطا	۲/۱۲۹	۳۷	۰/۰۵۸		
کل	۳۷۴/۲۱۸	۴۰			

با توجه به نتایج جدول ۵ و تحلیل کوواریانس آزمون فرضیه اول اثر معنادار کاربرد روش تدریس بدیعه پردازی با سطح معناداری ($Sig:۰/۰۰۰$) و ($F:۵۸/۹۴۹$) مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر زمانی که اثر پیش آزمون از روی نتایج مربوط به گروه‌ها حذف شود، تفاوت بین گروه‌ها (کنترل و آزمایش) در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت سیال تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است ($p < ۰,۰۵$).

فرضیه ۲. استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت ابتکار تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس برای تأثیر روش بدیعه پردازی در رشد قابلیت ابتکار

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
همپراش	۱۲۷/۸۸۵	۱	۱۲۷/۸۸۵	۱۸۴/۰۵۴	۰/۰۰۰
گروه	۱۹۵/۱۶۲	۲	۹۷/۵۸۱	۱۴۰/۴۴۰	۰/۰۰۰
خطا	۲۵/۷۰۹	۳۷	۰/۶۹۵		
کل	۹۹۰/۷۱۶	۴۰			

با توجه به نتایج جدول ۶ و تحلیل کوواریانس آزمون فرضیه اول اثر معنادار کاربرد روش تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت ابتکار با سطح معناداری (Sig: ۰/۰۰۰) و (F: ۱۴۰/۴۴۰) مورد تأیید قرار می‌گیرد ($p < ۰,۰۵$).

فرضیه ۳. استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت بسط تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس فرضیه سوم برای تأثیر روش بدیعه پردازی در رشد قابلیت ابتکار

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
همپراش	۱۱/۳۰۳	۱	۱۱/۳۰۳	۷/۲۹۸	۰/۰۰۹
گروه	۱۳۳۷/۶۵۶	۲	۶۶۸/۸۲۸	۴۳۱/۸۵۹	۰/۰۰۰
خطا	۸۸/۲۷۷	۵۷	۱/۵۴۹		
کل	۲۳۰۱۰/۰۰۰	۶۰			

با توجه به نتایج جدول ۷ و تحلیل کوواریانس آزمون فرضیه دوم اثر معنادار کاربرد روش تدریس بدیعه پردازی با سطح معناداری (Sig: ۰/۰۰۰) و (F: ۴۳۱/۸۵۹) مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت ابتکار تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است ($p < ۰,۰۵$).

فرضیه ۴. استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت انعطاف پذیری تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

جدول ۸. نتایج تحلیل کوواریانس فرضیه چهارم برای تأثیر روش بدیعه پردازی در رشد قابلیت انعطاف پذیری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
همپراش (پیش آزمون)	۹۳/۷۵۵	۱	۹۳/۷۵۵	۶۷۸/۲۴	۰/۰۰۰
گروه	۲۸۸۴/۴۳۳	۲	۱۴۴۲/۲۱۷	۶۱۸/۳۷۹	۰/۰۰۰
خطا	۲۱۶/۵۵۰	۵۷	۳/۷۹۹		
کل	۲۶۶۶۳/۰۰۰	۶۰			

با توجه به نتایج جدول ۸ و تحلیل کوواریانس آزمون فرضیه سوم اثر معنادار کاربرد روش تدریس با سطح معناداری (Sig: ۰/۰۰۰) و (F: ۳۷۹/۶۱۸) مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر زمانی که اثر پیش آزمون از روی نتایج مربوط به گروه‌ها حذف شود، تفاوت بین گروه‌ها (کنترل و آزمایش) در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در رشد قابلیت انعطاف پذیری تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است ($p < ۰,۰۵$).

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی اثرات الگوی تدریس بدیعه پردازی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس زبان انگلیسی و مقایسه آن با الگوی تدریس سنتی انجام گرفته است. با بررسی نمرات پیش آزمون آشکار شد که میان نمرات دو گروه گواه و آزماییش در ابتدا از لحاظ خلاقیت تفاوت معناداری وجود نداشت اما پس از گذراندن دوره آموزشی بدیعه پردازی به مدت ۱۲ جلسه و اجرای پس آزمون و مقایسه نتایج آن با نتایج حاصل از پیش آزمون مشخص گردید که میان نمرات دو گروه گواه و آزماییش در آزمون خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات افرادی همچون موالم (۲۰۱۰)؛ نولان (۲۰۰۲)؛ سام (۲۰۱۰)؛ پاتریکا (۲۰۰۶)؛ والکر (۲۰۰۹)؛ همخوانی دارد. تمام پژوهش‌های مذکور به این نتیجه دست یافته اند که تأثیر روش بدیعه پردازی بر خلاقیت معنادار است و با استفاده از این روش می توان خلاقیت دانش آموزان را افزایش داد. در تبیین نتایج این تحقیقات می توان گفت: در کلاس‌های خلاق، فکر بیش از حافظه ارزش دارد. معلم تعادل بین امنیت روانی و آزادی برقرار می سازد تا دانش آموزان بتوانند ریسک کنند. معلم هدایت گر و تسهیل کننده است در حالی که در کلاس درس غیر خلاق، معلم مقتدر است و سخت در بند زمان، غیر حساس به نیازهای احساسی دانش آموزان، مقید به نظم و دادن اطلاعات است. بنابراین روش بدیعه پردازی بر خلاقیت دانش آموزان تأثیر بیشتری نسبت به روش سنتی گذاشته است. شیوه‌های آموزشی و یاددهی با رشد خلاقیت دانش آموزان ارتباط مستقیم دارد. معلم می تواند با ایجاد موقعیت‌های پویا و برانگیزاننده در یادگیری، دانش آموزان را یاری کند تا با توجه به علائق و توانایی‌های خویش دست به تجربه و یادگیری بزنند و بدین ترتیب زمینه لازم برای ظهور خلاقیت را در آنها فراهم نمود. گلیفورد (۱۹۶۷) چهار عنصر را برای خلاقیت برشمرده است که ماهیتی آموزشی دارند: سیالی، انعطاف پذیری، ابتکار و بسط. عنصر سیالی به کمیت یا تعداد ایده‌ها، انعطاف پذیری به تنوع

و گوناگونی ایده ها، ابتکار به منحصر به فرد بودن یا غیر معمولی بودن ایده ها و بسط به جزئیات ایده ها مربوط می شود. مرور پژوهش های خلاقیت نیز بیانگر آن است که خلاقیت در ترکیب عناصر اصلی خود (یعنی سیالی، انعطاف پذیری، ابتکار و بسط) تحت تأثیر آموزش افزایش یافته و به ویژه توانایی ابتکار از جهش محسوسی برخوردار می شود (گوکارت، داندارت و سویلو، ۲۰۱۲). بهره گیری از این شیوه آموزشی به دانش آموزان این امکان را می دهد تا پاسخ و ایده های فراوانی در ارتباط با موضوع جدید که احیاناً ممکن است با آن برخورد نداشته باشند از خود بروز دهند. لذا به همین علت دانش آموزان گروه آزمایش از نظر سیالیت، وضعیت مطلوب تری نسبت به گروه کنترل داشتند. از این رو در شیوه های سنتی تدرسی که معلم محور است و فراگیران ظروف خالی محسوب می شوند که معلم وظیفه دارد مطالب را به طور یک طرفه به آنها انتقال دهد و شاگردان جرأت حرف زدن را ندارند، نمی توان انتظار ابتکار داشت. بنابراین می توان ادعا کرد که تدریس طبق الگوی بدیعه پردازی باعث افزایش قابلیت ابتکار به پاسخ ها، ایده ها و فعالیت های دانش آموزان می شود، به عبارت دیگر بهره گیری از این الگوی تدریس، زمینه را برای بروز ایده های ابتکاری دانش آموزان فراهم می کند. همچنین نتایج نشان داد که بهره گیری از الگوی بدیعه پردازی می تواند این را در دانش آموزان رشد دهد که در برخورد با مسایل و مشکلات هنگامی که تغییر شکل داده و یا از بعد دیگری مطرح می گردند، جهت فکر خود را تغییر داده و با مسأله همسو شوند. این موضوع برخلاف نظر و عمل تعداد زیادی از مریبان است. چرا که بسیاری از معلمان همواره شاگردان را تشویق می کنند تا سؤال ها را عیناً همانند متن کتاب پاسخ داده و به همان الگوهای پیش بینی شده توجه نمایند. نتیجه این روش رشد دانش آموزان قالبی و غیر قابل انعطاف است که به این مهم بایستی با توجهات لازم و آموزش های مناسب مریبان، معلمان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت توجه خاص مبذول گردد. از مجموع یافته ها و موارد ارایه شده در بحث این مطالعه، نتیجه گیری می شود که استفاده از روش بدیعه پردازی در رشد خلاقیت می شود و به معلمین کمک می کند بتوانند با استفاده مناسب از انواع روش تدریس فعال موجب رشد قوه تفکر، خلاقیت، اعتماد به نفس، روحیه کاوشگری ذهن دانش آموز شوند و باتأکید بر

رویکردهای مبتنی بر آموزش مناسب در راستای تحقق اهداف کلیدی این درس، گام‌های موثرتری بردارند. با توجه به اهمیت روش تدریس بدیعه پردازی و اثربخشی آن بر ارتقای متغیرهای مورد بررسی، آموزش روش تدریس بدیعه پردازی به صورت کارگاهی و دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان به منظور بهبود خلاقیت بهتر دانش آموزان، پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- درزی رامندی، هادی؛ علیرضا عصاره و جمشید جراره، ۱۳۹۳، تأثیر تدریس به روش بدیعه پردازی بر افزایش خلاقیت و پیشرفت تحصیلی درس تعلیمات اجتماعی، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی ۲ (۱۵).
- Allan, G. & Richard, K. (۲۰۰۹). *using analogies in middle and secondary science classrooms: the FAR guide-an interesting way to teach with analogies*. Thousand Oaks, CA : Corwin Press.
- Albrecht, K. & Albrecht, S. (۱۹۸۷). *The creative corporation*. Homewood: Illinois, Dow Jonas Irwin.
- Batastini, S. D. (۲۰۱۲). *The relationship among student's emotional intelligence, creativity and leadership. Dissertation Abstract International section A: Humanities and social science*, ۶۲.
- Bryant, C. (۲۰۱۰). *Creativity and Technology. Evaluative Art Educating*, ۶۳(۲): ۴۳-۴۸.
- Costello, T. M. (۲۰۰۸). *Hume's phenomenology of the imagination. The Journal of Scottish Philosophy*, ۵(۱), ۳۱-۲۵. Retrieved May ۲۰, ۲۰۰۸, from Academic Search Complete database.
- Ford, sam, A. (۲۰۱۰). *Factor leading to innovation: study of manager's Perspective factor creativity research. Journal of creativity*, No ۲۳, PP: ۳۴-۸۷.

- Gokkurt, B., Donator, S., Solo, Y. (۲۰۱۲). The effects of learning together Technique which is based on cooperative Learning on student's achievement in mathematics class.
- Gordon, W. J. J. (۱۹۶۱). *synaptic*. New York: Harper & Row.
- Gunter, M.A., Estes H.H.& Schwab , J. (n.d) Instruction ; a models approach . cited in Instructional Models . Retrieved ۲/۲۸/۲۰۰۶ form
- Isaksen , S.G., Pacino , G. J & Treffinger , D. J. (۲۰۰۸) An ecological approach to creativity research : profiling for creative problem solving . Journal of Creative Behavior, ۲۷, ۱۴۹-۱۷۰ .
- Joyce, L.P, Molly, A.R and Patricia, C.V. (۲۰۰۶). Empathic learning: An innovative teaching strategy to improve attitudes toward caring for persons with HIV/AIDS, *Journal of the Association of Nurses in AIDS Care*, V۶. I۳, pages ۱۹-۲۲.
- Kaveevivitchai, Chularuk. (۲۰۰۸). Enhancing nursing studs skills in vital signs assessment by using multimedia computer-assisted learning with integrated content of anatomy and Physiologic..
- Mualem, R .(۲۰۱۰) . Successful Problem Solving. *Journal of Research in Science Teaching*, ۴۷(۹) , ۱۰۹۴- ۱۱۱۵.
- Nolan, V. (۲۰۰۲). Whatever Happened to Synaptic? *Certainty and innovation Management*, V ۱۲. N/.۲۴-۲۸. Surmount and teaching of creativity. In H. O'Neil & M. Drillings (Eds.). *Motivation: Theory and research*, (pp. ۲۴۵- ۲۶۳). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Runco, Mark. A. (۱۹۹۹). *Tactics and strategies for creativity, encyclopedia of creativity*, volume۲, academic press.
- Seligman, E. R. (۲۰۰۷). *Reaching Students Through Synaptic: A Creative Solution's*: University of Northern Colorado.
- Treffinger, D. J., Sorter, Mr. & Cross, J.C. (۲۰۰۷). *Dimensions of Creativity, center of Creative Learning*, Sarasota Publication.

- Torrance, E. P., & Goff, K. (۱۹۸۶). A quiet revolution. *Journal of Creative Behavior*, ۲۳, ۱۳۶-۱۴۵. of SID.
- Walker, D.E. (۲۰۰۹). Promoting *Metaphorical Thinking Through Synaptic: Developing. Deep thinking utilizing abstractions*. Bloomsburg University of Pennsylvania.
- Yang heng-li,cheng.hsiu-hua.(۲۰۰۹).creative self-efficacy and its factors: an empirical study of information system analysts and programmers. *Computers in human behavior*.۲۵ (۲۰۰۹)۴۲۹-۴۳۸.